



سخنرانی در دیدار با شرکت‌کنندگان در اولین کنفرانس اسلامی فلسطین - 13 / آذر / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

می‌توان گفت که این جلسه، مهمترین مسأله‌ی جهان اسلام را در دستور کار خود قرار داده است. تحقیقا امروز در زندگی مسلمین و در آفاق اسلامی، هیچ مسأله‌ی بی‌اهمیت و خطورت مسأله‌ی فلسطین نیست. بیش از چهل سال است که بتدریج مسلمین را با غصب بخشی از خانه‌ی خودشان عادت داده‌اند. فقط غصب خانه‌ی مسلمین نیست؛ بلکه قضیه بالاتر از این است. مسأله این است که دشمنان جهانی اسلام، بخشی از خانه‌ی مسلمین را برای حمله به صفوف مسلمین و برای مبارزه با خواسته‌ها و حرکات آنها، سنگر قرار داده‌اند.

متأسفانه در دنیای اسلام، آن کسانی که امکانات در دستشان بوده و می‌توانستند درباره‌ی این مسأله تصمیم‌های مؤثری بگیرند، آن را در زاویه‌ی فراموشی - ولو نه به لفظ، اما در باطن امر - قرار دادند. ما اگر به خود بیاییم، خواهیم دید که این بزرگترین بلایی است که در دوره‌های اخیر، بر مسلمین نازل شده است. حکم اسلامی این قضیه، واضح است. احدی از مسلمین، درباره‌ی حکم منطبق بر قضیه‌ی فلسطین، تردیدی ندارد. این، همان مسأله‌ی بی‌است که در تمام کتب فقهی - که بحث جهاد در آن مطرح شده - آمده است. اگر کفار بیایند و بلد مسلمین را تصرف یا احاطه کنند، هیچیک از فقهای مسلمین - قدیم و جدید - در وجوب عینی جهاد در این مورد، تردید نکرده است. همه‌ی مذاهب اسلامی، در این معنا هم‌عقیده هستند. جهاد ابتدایی، واجب کفایی است؛ اما در غیر این مورد، جهاد دفاعی که اظهر مصادیق دفاع هم هست، واجب عینی است.

مسأله‌ی بی‌با این وضوح و با این اهمیت، امروز در دنیای اسلام، مثل یک مسأله‌ی درجه‌ی دو مورد توجه قرار می‌گیرد. البته گناه اول، به عهده‌ی رؤسای مسلمین است. اگر زعمای مسلمین و رؤسای کشورهای اسلامی، متحداً و جدا بر استنقاذ فلسطین تصمیم بگیرند، خواهند توانست.

در مسأله‌ی فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاذ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمین‌های قبل از سال 67 و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه‌ی مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم الشان فرمود: "اسرائیل بایستی محو بشود". یهودی‌های فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول می‌کنند، در آن جا زندگی کنند. بحث، بحث یهودی‌ستیزی نیست. مسأله، مسأله‌ی غصب خانه‌ی مسلمین است. رؤسا و زعمای مسلمین، اگر تحت تأثیر قدرتهای جهانی قرار نداشتند، می‌توانستند این مهم را انجام بدهند؛ ولی متأسفانه نکردند.

امروز، حادثه‌ی بزرگی داخل سرزمین‌ها در جریان است و آن، همین قیام اسلامی است که این روزها وارد چهارمین سال عمر خود می‌شود. این، همان چیزی است که باید فلسطین را نجات بدهد. این، همان چیزی است که حامیان و تولیدکنندگان اسرائیل، از آن می‌ترسیدند. این، همان چیزی است که بدان امید بود و این امید، امروز برآورده شده است. این، یک نعمت بزرگ الهی است.

اگر ما مسلمین، این نعمت را شکر کردیم، باقی خواهد ماند؛ "لئن شکرتم لازیدنکم". اگر به این نعمت کفران ورزیدیم، از دست خواهد رفت. شکر این نعمت به آن است که همه‌ی مسلمین در همه جای عالم، تکلیف شرعی خودشان بدانند که از این مبارزانی که امروز به نام اسلام مبارزه می‌کنند، حمایت نمایند. امروز، هیچ علاجی جز این نیست.

این حمایت، بایستی وسیع و همه‌جانبه باشد. هم حمایت سیاسی، هم حمایت تبلیغاتی، هم حمایت اخلاقی و هم حمایت نظامی لازم است. هرچه ممکن بشود، لازم و تکلیف است. مسلمین دنیا ببینند، کدامیک از انواع این



حمایتها را می‌توانند بکنند. هرچه را که دانستند، تکلیف شرعی آنهاست و از آن نباید تخلف بکنند. غالباً دو نکته از نظر شعاردهندگان به نام اسرائیل، دور می‌ماند. ما این دو نکته را اجمالاً عرض می‌کنیم. یکی از این دو نکته این است که دشمنی با غاصبان اسرائیل، با دوستی با کسانی که پشتیبان همه‌جانبه‌ی غاصبان اسرائیل هستند، نمی‌سازد. این، ممکن نیست. آن کسانی که خیال می‌کنند، از راه امریکا و همپیمانانش می‌توانند فلسطین را نجات بدهند، در اشتباه تأسف‌انگیزی بسر می‌برند. همچنان که از راه دولت اسرائیل نمی‌شود فلسطین را نجات داد، از راه دولت امریکا و همپیمانانش هم نمی‌شود فلسطین را نجات داد. هر حرکتی که به تکیه بر پشتیبانان دولت غاصب منتهی بشود، قطعاً یک حرکت انحرافی و یک غلط بزرگ است. اگر کسی شعار ضدیت با اسرائیل را می‌دهد، اما با همپیمانان اسرائیل در این مسأله هم‌صحبتی می‌کند و به آنها اتکا می‌نماید، باید دانست که دروغ می‌گوید. چنین چیزی ممکن نیست.

آن کسانی که اسرائیل را تغذیه می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. آن کسانی که به هر نحوی از انحاء به اسرائیل کمک می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. آن کسانی که با صهیونیستها مذاکره می‌کنند، در جبهه‌ی اسرائیل هستند. مبارزه برای استنفاد سرزمین فلسطین، باید معنای حقیقی مبارزه را داشته باشد. مبارزه، نقطه‌ی مقابل سازش است. در این مسأله، سازش خیانت و مبارزه وظیفه است. هیچ‌کس سازش را به حساب مبارزه نگذارد. نکته‌ی دوم این است که یکی از چیزهایی که در روز اول، ایجاد دولت غاصب را زمینه‌سازی کرد و امروز هم ادامه‌ی آن دولت را زمینه‌سازی می‌کند، تبلیغاتی است که دستگاه تبلیغاتی سراسری صهیونیستها و دوستانشان در همه جای دنیا، به راه انداخته‌اند. برای افکار مردم دنیا، این‌طور وانمود کرده‌اند که صاحب خانه، آن کسانی هستند که بر آن‌جا حکومت می‌کنند و یک عده دور از فرهنگ هم برای آنها مزاحمت ایجاد می‌کنند! متأسفانه، این را در دنیا جا انداخته‌اند. روی این قضیه، در افکار عمومی و در فرهنگ عام جهانی، کار تبلیغاتی کرده‌اند؛ ولی ما مسلمین غافل بوده‌ایم! ما مسلمین، به شیوه‌های تبلیغاتی دشمن وقوف پیدا نکرده‌ایم. از بهترین شیوه‌ها، برای بیان حقانیت مردم فلسطین استفاده نکرده‌ایم.

آنچه بر این مقدمه می‌خواهم مترتب کنم، این است که در تمام اقطار عالم، همه‌ی روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و کسانی که در تبلیغات، اندک دستی دارند، باید با احساس وظیفه‌ی کامل نسبت به این قضیه، ادای تکلیف بکنند. بعد از جنگ جهانی دوم، یهودیها در سرتاسر دنیا، برای مظلوم‌نمایی، صدها و بلکه هزارها فیلم درست کرده‌اند، تا چهره‌ی آنها را مظلوم، و چهره‌ی کسانی که با آنها مقابل بودند - به صورت واقعی یا غیرواقعی - ستمگر نشان بدهد. تا آن‌جا که ما اطلاع داریم، ظلمی که امروز به ملت فلسطین می‌شود، هیچ‌وقت به مجموعه‌ی یک ملت نشده است؛ در حالی که متأسفانه افکار عمومی دنیا، از این ظلم مطلع نیست. این، بایستی درست بیان بشود. باید فیلمها ساخته بشود، باید کارهای هنری انجام بگیرد تا همه‌ی افکار عمومی دنیا بدانند که چه می‌گذرد. متأسفانه باید اعتراف کنیم که روشنفکران ما و کسانی که می‌توانستند، کوتاهی کردند. ما باید در سطح عالم، مسأله‌ی فلسطین را آن‌چنان که هست، معرفی بکنیم. برای این کار باید سرمایه‌گذاری بشود و افراد، تلاش و کار کنند. این، نکته‌ی بی‌بوده است که ما از آن غفلت کرده‌ایم.

امروز بعد از این‌که انقلاب اسلامی، برندگی اسلام را نشان داد، دشمنان اسلام و مسلمین جدیتر شدند. انقلاب اسلامی، جبهه‌های جدیدی علیه اسلام به وجود آورد؛ فقط به خاطر این‌که اسلام را معرفی کرد و نشان داد که اسلام با ظلم مخالف است و فهماند که مسلم واقعی، آن کسی است که در مقابل قدری و سرکشی و نظام سلطه‌ی جهانی، تسلیم نمی‌شود و زیر بار نمی‌رود. این، سلطه‌گران را بشدت خشمگین کرد و در مقابل اسلام، جبهه‌های جدیدی به وجود آورد.

نمونه‌هایش را در همه جای دنیا مشاهده می‌کنید. هم در اروپا مشاهده می‌کنید که علیه گروهها و افراد مسلمان،



چه کارهایی انجام می‌گیرد؛ هم در آفریقا مشاهده می‌کنید که این حرکات تبشیری را فقط برای مقابله‌ی با اسلام ناب به راه انداخته‌اند؛ هم در خود کشورهای اسلامی مشاهده می‌کنید که روی حرکات اسلامی، چه قدر فشار است. در هر جایی، به یک نحو است. مظاهری از آن را در کشورهای دیگر - مثل هند - مشاهده می‌کنید. این ماجرای مسجد بابر، یکی از آن مسائلی است که اگرچه موضوع آن، یک مسجد است و شاید به نظر بعضی کوچک بیاید؛ اما کوچک نیست. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که دشمنان اسلام، تا این‌جا ایستاده‌اند که یک عده را علیه مقدسات اسلام تحریک کنند و زندگی را بر مسلمانان تلخ نمایند.

بی‌شک، حرکت هندوهای متعصب، ناشی از تحریکات دشمنان است. همه دیده‌اند که این مسجد، سال‌های متمادی در آن‌جا بود و بتخانه‌یی هم در کنارش وجود داشت. آنها مشغول کار خودشان بودند؛ اینها هم مشغول کار خودشان. دشمنان اسلام هستند که این تحریکات را درست می‌کنند و ماجرای مثل ماجرای مسجد بابر را مسأله‌ی روز مسلمانان می‌کنند. البته مسلمین هند در این مسأله محق هستند و همه باید بدانند که مسلمین دنیا در این مسأله، پشت سر مسلمانان هند هستند، حق را به آنها می‌دهند و از آنها دفاع و حمایت می‌کنند.

در همه جای دنیا، حرکات خصمانه‌ی جدیدی علیه اسلام هست. آن چیزی که بایستی از این حرکات استنتاج کرد، یک جمله است: مسلمانان باید در دفاع از اسلام جدیتر باشند و خودشان را به معنای واقعی کلمه، سرباز اسلام بدانند و به مقتضای این سربازی، عمل کنند. بلاشک، دشمن نخواهد توانست در مقابل حرکت عمومی مسلمین کاری بکند و اسلام و مسلمینی که برای دفاع از اسلام تصمیم گرفته باشند و قیام بکنند، قطعاً پیروز خواهند شد. امیدوارم که خداوند متعال، به همه‌ی ما توفیق بدهد که از اسلام دفاع کنیم. ان‌شاءالله این نشست شما، اجتماع مبارکی باشد. در ساعات و ایامی که برای بحث درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین می‌نشینید، راه‌های عملی را جستجو کنید و به آنها بپردازید. هرکسی تکلیف خودش را حقیقتاً بشناسد و بر طبق آن عمل کند. حرف تنها، وقتی که مقدمه‌ی عمل نباشد، تجربه‌ی خوبی برای ما نیست. تنها در سایه‌ی عمل به وعده‌ها و گفته‌هاست که خواهیم توانست ان‌شاءالله به نتایجی برسیم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته